



مركز جهتي علوم اسلامي
جمهوری اسلامی ایران - قم - ۱۳۵۸

مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

بررسی مقایسه‌ای مسأله شر از دیدگاه علامه طباطبایی و آلویں پلنتینگا

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته فقه و معارف اسلامی

گرایش؛ کلام اسلامی

نگارش؛ مهدی کریمی

استاد راهنما؛ حجة الاسلام و المسلمین سید محمود موسوی

استاد مشاور؛ حجة الاسلام و المسلمین محمد علی مبینی

اسفند ۱۳۸۵

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی
شماره ثبت: ۷۹۸
تاریخ ثبت:

❖ مسئولیت مطالب مندرج در این پایان نامه، به عهده نویسنده می باشد.

❖ هرگونه استفاده از این پایان نامه با ذکر منبع، بلا اشکال است و نشر آن در داخل کشور منوط به اخذ مجوز از مرکز جهانی علوم اسلامی می باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَأَشْرَفَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمَقَامِ الشَّامِيِّ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیر و سپاس

حمد و ستایش بی حد تنها مخصوص اوست که دارنده و برارنده هر خیر است و منزّه و پاک از هرگونه نقص و عیب و شرّ.

درود و سلام بی انتها، بر تمامی انبیاء و اولیاء (علیهم السلام) خصوصاً افضل و خاتم ایشان، محمّد مصطفی (صلی الله و علیه و آله) و اهل بیت گرامیش، که همگی هادیان بشریت بسوی کمال حقیقی بوده و هستند.

و سپاس و تقدیر از تمامی دست‌اندرکاران مرکز جهانی علوم اسلامی که با تمام توان خویش در جهت رشد و ارتقاء علمی و اخلاقی طلاب گرانقدر تلاش و مجاهده می‌نمایند.

و نیز از اساتید بزرگوار و گرانقدرم:

حضرت حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر موسوی

حضرت حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر مینی

که از ژرف اندیشی و راهنمایی‌های ایشان کمال بهره و استفاده را برده‌ام؛ در نهایت احترام و فروتنی سپاسگزاری می‌نمایم و از خداوند متعال مزید توفیقات ایشان و همه مؤمنان را خواستارم.

اهداء

این قلیل را به ساحت والای بزرگی تقدیم می‌نمایم که سالیان مدید، برکات او چون خونی در پیکر شیعه حیات افکنده و شهر قم را بوجود ذی جود خویش آراسته است. همو که تربت و بارگاه نورانی اش سرمه‌ی چشمان اهل دل بوده و هست و ضریحش مامن عاشقان دلسوخته‌ای که فریاد برمی‌آورند:

«يَا فَاطِمَةُ اشْفَعِي لَنَا فِي الْجَنَّةِ».

و نیز به آن روح درآویخته به آستانش و جسد خفته در جوارش :

«علامه طباطبائی»

که هنوز و شاید تا سال‌های بسیار، آثار مکتوب و غیر مکتوب او، در علوم معقول و منقول و مشهود، سیراب‌گر حوزه‌های علمیه است.

چکیده:

موضوع: بررسی مقایسه‌ای مسأله شر از دیدگاه علامه طباطبائی و آل‌وین پلنتینگا
مقطع: کارشناسی ارشد
استاد راهنما: دکتر موسوی
دانش پژوه: مهدی کریمی
نشته: فقه و معارف اسلامی گرایش کلام
استاد مشاور: دکتر مبینی

یکی از مسائل مهم و پیچیده فلسفه دین که در چند سده اخیر، با تقریرهای خاص و مغرضانه بعضی فیلسوفان دین موجبات نگرانی بسیاری از اندیشمندان متعهد و متدین را فراهم ساخته است، «مسأله شر» می‌باشد. این مسأله با دو تقریر عمده به مقابله با معتقدات دین‌داران برخاسته است: ۱- مسأله منطقی شر ۲- مسأله قرینه‌ای شر.

در نگرش نخست تلاش و اصرار بر اثبات ناسازگاری و تناقض منطقی میان دو دسته از قضایاست؛ یعنی ادعا بر این است که قضایای مورد پذیرش ادیان آسمانی نظیر «خدا قادر مطلق است»، «او عالم مطلق و خیر محض است» با قضیه‌ی «شر وجود دارد»، قابل جمع نیستند؛ پس یا باید محدودیت یکسری از صفات را پذیرفت، که هرگز دین‌داران آن را قبول نمی‌کنند و یا باید بطور کلی خدای ادیان را نفی کرد. اما در نگرش «مسأله قرینه‌ای شر» بحث در این است که انواع و تعدد فراوان شرور عالم، وجود خدای قادر، عالم و خیر محض را «ناپذیرفتنی» می‌نماید؛ زیرا بسیاری از شرور که در اطراف ما دیده می‌شوند؛ هیچ تبیین قابل قبول و قانع‌کننده‌ای ندارند، لذا با اینهمه امر غیر قابل پذیرش و فهم، وجود خداوند بعید به نظر می‌رسد.

این رویکردها، عده‌ای را به الحاد و یا نفی خدا باوری سنتی کشاند؛ که از آن جمله به افرادی نظیر جی‌ال‌مکی و آنتونی فلو می‌توان اشاره کرد. در مقابل نیز حکما و فلاسفه‌ی

بسیاری به پاسخ‌گویی و نظریه‌پردازی در خصوص این امر اقدام نمودند، بطوریکه کمتر اندیشمند و متفکر دیندازی را می‌توان یافت که در این وادی وارد نشده و سخنی نگفته باشد. اما انواع گوناگون پاسخ‌های دینداران را می‌توان به دو صورت از یکدیگر متمایز نمود:

۱- نظریه عدل الهی که در صدد کشف چرایی وجود شرور و چگونگی تجویز آن توسط خداوند قادر و خیر محض و توجیه و تبیین آلام و مصائب، می‌باشد.

۲- دفاعیه: فقط عدم توفیق یک تقریر خاص از مسأله شر را به اثبات می‌رساند.

علامه طباطبائی و آل‌الین پلنتینگا نیز دو فیلسوف و اندیشمند اسلامی و مسیحی می‌باشند که در دفاع از آموزه‌های دینی از هیچ تلاشی فروگذار نمودند؛ آنچه در این نوشتار آمده، بررسی و مقایسه‌ای از دیدگاه‌های این دو دانشمند در مسأله شر است.

شاید بطور خلاصه بتوان رویکرد علامه را در بررسی مسأله شر همان رویکرد صدرایی (که به گونه‌ای آمیخته‌ی فلسفه و عرفان است) دانست؛ وی بر اموری چون: عدمی، نسبی و قیاسی بودن شرور و نیز نظریه تقسیم‌گرایانه و نیز عدم انفکاک عالم ماده از شرور تأکید می‌نماید؛ ولی پلنتینگا که خود را فقط حامی «دفاعیه» می‌داند، نظریه «دفاع مبتنی بر اختیار» را مطرح نموده و بدین وسیله در صدد اثبات عدم ناسازگاری شرور با معتقدات دینداران می‌باشد. وی با کمک گرفتن از مفهوم جهان‌های ممکن و ماهیت فرد و شرارت فراگیر معتقد می‌گردد که حتی خداوند قادر نیست که در عین مختار آفریدن انسان او را فقط بسوی خیر بکشانند، زیرا این دو امر قابل جمع نیستند و تحقق چنین چیزی محال است.

بهر حال در دیدگاه این دو اندیشمند، می‌توان به نقاط اشتراکی نظیر: دفاع از آموزه‌های دینی، پذیرفتن ناسازگاری شرور با وجود خدا و صفات عالیه او و تعلق نگرفتن قدرت الهی نسبت به محالات منطقی و... اشاره کرد و نیز نقاط افتراق فراوانی نظیر اینکه؛ اختیار در دیدگاه پلنتینگا بریده از نظام علیت است، بخلاف علامه که انسان را مختار ولی تحت حیطه قدرت الهی در نظام علیت طولی می‌داند و نیز بکارگیری علامه از روش عدل الهی بخلاف پلنتینگا که فقط با دفاعیه به پاسخ‌گویی پرداخته است و تفاوت‌های دیگری که از میان بحث‌های ایشان، قابل استخراج می‌باشد.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات و مباحث مقدماتی

۲	۱. طرح تحقیق
۲	۱-۱: تبیین موضوع (بیان مسأله)
۴	۲-۱: سؤال‌های اصلی و فرعی تحقیق
۴	۳-۱: سابقه و ضرورت انجام تحقیق
۸	۴-۱: روش گردآوری اطلاعات و محدودیت‌های آن
۹	۵-۱: فرضیه‌های تحقیق
۹	۶-۱: اهداف
۱۰	۷-۱: ساماندهی تحقیق
	۲. زندگی‌نامه‌ها
۱۱	۱-۲: زندگی‌نامه و آثار علامه طباطبایی
۱۱	۱-۱-۲: تاریخچه‌ای مختصر
۱۲	۲-۱-۲: اساتید علامه
۱۴	۳-۱-۲: آثار علامه
۱۶	۲-۲: آلوین پلنتینگا
۱۶	۱-۲-۲: تاریخچه‌ای کوتاه
۱۹	۲-۲-۲: در برابر مسأله شرّ
۲۱	۳-۲-۲: پلنتینگا و فلسفه مسیحی
۲۳	۴-۲-۲: پلنتینگا مدافع معرفت‌شناسی اصلاح‌شده
۲۵	۵-۲-۲: آثار پلنتینگا
	۳. مفاهیم محوری (معناشناسی)
۲۷	۱-۳: چیستی خیر و شرّ به لحاظ مفهومی
۳۳	۲-۳: تعریف‌های مصداقی

۳۶	۳-۳: تقابل میان خیر و شرّ
۳۶	۱-۳-۳: تقابل عدم و ملکه
۳۷	۲-۳-۳: تقابل تضایف
۳۸	۳-۳-۳: تقابل نقیضان
۳۸	۴-۳-۳: تقابل دو امر ضد(ضدّان)
	۴. پیشینه مبحث شرّ
۳۹	۱-۴: در تفکر بشر به معنای عام
۴۳	۲-۴: در تفکر اسلامی
	۵. تقریر مسأله شرّ
۴۷	۱-۵: سؤال اساسی
۴۸	۲-۵: معنای قرینه بودن شرّ علیه خداوند
۴۹	۳-۵: تقریرهای مختلف مسأله منطقی شرّ
	۶. دیدگاه‌های مطرح در پاسخ‌گویی به مسأله شرّ
	۱-۶: دیدگاه‌های فلسفی
۵۶	۱-۱-۶: پاسخ ثنویّه (اعتقاد به منشأ مستقل)
۵۶	۲-۱-۶: شرّ امری معدوم
۵۷	۳-۱-۶: شرّ امری عدمی
۵۸	۴-۱-۶: نظریه عدل الهی ایرنائوس
۵۸	۵-۱-۶: پاسخ الهیات پویشی
۵۹	۶-۱-۶: تحلیل فلسفی ارسطو
۶۰	۷-۱-۶: شرّ لازمه مادی بودن عالم
۶۱	۸-۱-۶: شرّ در نظام کلّ
۶۲	۹-۱-۶: ضرورت شرّ برای حصول خیر
۶۲	۱۰-۱-۶: تفاوت خیر از منظر خدا
۶۲	۱۲-۱-۶: نظریه «دفاع مبتنی بر اختیار»
۶۳	۲-۶: دیدگاه‌های کلامی
۶۹	۳-۶: دیدگاه عرفانی

فصل دوم: پلنتینگا و مسأله شر

۷۵	۱. مقدمات استدلال
۷۵	۱-۱: مفهوم قضیه
۷۷	۲-۱: جهت قضیه
۸۰	۳-۱: وصف در قضایا
۸۲	۴-۱: قضایای ضرورتاً صادق و یا کاذب
۸۴	۵-۱: استنتاج معتبر
۸۶	۶-۱: تناقض و انواع آن
۸۶	۱-۶-۱: تناقض صریح
۸۶	۲-۶-۱: تناقض صوری
۸۷	۳-۶-۱: تناقض ضمنی
۸۸	۷-۱: جهان‌های ممکن
۹۱	۱-۷-۱: انتزاع‌گرایی پلنتینگا در باب جهان‌های ممکن
۹۵	۲-۷-۱: جهان ممکن و جهان بالفعل
۹۶	۳-۷-۱: کتاب جهان ممکن
۹۶	۴-۷-۱: وجود اشیاء و متصف شدن آن‌ها به وصف‌ها در جهان‌های ممکن
	۲. تحلیل مسأله شر توسط پلنتینگا
۹۸	۱-۲: شرور اخلاقی
۹۸	۱-۱-۲: نفی تناقض
۱۰۴	۲-۱-۲: فرق نظریه عدل الهی مبتنی بر اختیار و دفاع مبتنی بر اختیار
۱۰۶	۳-۱-۲: دفاع مبتنی بر اختیار
۱۰۷	۴-۱-۲: بررسی ایرادهای وارد بر دفاع اختیار‌گروانه
۱۰۸	الف- اشکال فلو و مکی بر این نظریه
۱۰۹	ب- پیش فرض فلو و مکی در اشکال به نظریه اختیار
۱۱۱	ج- پاسخ نینیان اسمارت به شبهه‌ی فلو و مکی
۱۱۱	۵-۱-۲: جواب پلنتینگا به مکی و لایب نیتس
۱۱۳	۶-۱-۲: امکان آفرینش خلقت هر جهان

- ۱۱۷ ۷-۱-۲: شرارت فراگیر
- ۱۱۸ ۸-۱-۲: توضیح مفاهیم ذات و ماهیت فرد
- ۱۲۱ ۹-۱-۲: ناسازگاری وجود خدا با مقادیر شر اخلاقی موجود در جهان
- ۱۲۳ ۲-۲: شرور طبیعی
- ۱۲۴ چکیده دیدگاه پلنتینگا

فصل سوم: مسأله شر از دیدگاه علامه طباطبایی

۱. علامه و دیدگاه فلسفی شرور
- ۱۲۸ ۱-۱: معنای خیر و شر
- ۱۳۰ ۲-۱: راهیافت مورد پذیرش علامه
- ۱۳۰ ۱-۲-۱: رویکرد عدمی
- ۱۳۱ الف- استدلال بر عدمی بودن شرور نزد علامه
- ۱۳۴ ب- عدمی یا وجودی بودن شر ادراکی
- ۱۳۵ ۲-۲-۱: قیاسی (نسبی) و امکانی بودن شرور
- ۱۳۷ ۳-۲-۱: جدائی ناپذیری شرور از ماده
- ۱۳۸ الف- عوالم وجود در دیدگاه علامه
- ۱۴۱ ب- یک یا چند پاسخ
- ۱۴۲ ۳-۱: چگونگی تعلق قضاء الهی به شرور
- ۱۴۴ ۴-۱: عنایت و نظام احسن
- ۱۵۰ جمع بندی پاسخ فلسفی علامه
۲. علامه و رویکردهای درون دینی
- ۱۵۲ ۱-۲: شرور اخلاقی
- ۱۵۲ ۱-۱-۲: اختیار انسان و شرور اخلاقی
- ۱۵۵ ۲-۱-۲: سنن الهی در قرآن و بحث شرور
- ۱۵۵ ۱-۲-۱-۲: جایگاه و تعریف سنت
- ۱۵۷ ۲-۲-۱-۲: ویژگیهای سنن الهی
- ۱۵۸ ۳-۲-۱-۲: رابطه سنن الهی و اعمال مختارانه انسان

۱۵۹	۲-۱-۲: سنّت ابتلاء و امتحان
۱۵۹	الف- معنا و حقیقت ابتلاء
۱۶۱	ب- حکمت امتحان و ابتلاء
۱۶۴	ج- ابزار آزمایش الهی
۱۶۵	د- شدت ابتلا به فراخور ایمان
۱۶۶	۲-۱-۲: سنّت استدراج
۱۶۶	الف- تعریف استدراج
۱۶۷	ب- عوامل امهال و استدراج
۱۶۸	۲-۱-۳: علل ایجاد شر و شیطان
۱۷۰	۲-۱-۴: علت عدم جلوگیری خدا از شرور شیطانی و اخلاقی
۱۷۲	۲-۲: شرور طبیعی
۱۷۴	۲-۲-۱: تحقق عالمی بدون شرّ

فصل چهارم: بررسی پایانی

۱۷۹	۱. مقایسه دیدگاه علامه و آل‌وین پلتینگا
۱۷۹	۱-۱: نقاط اشتراک
۱۸۴	۲-۱: تمایزهای موجود
۱۹۰	۲. نقد اجمالی
۱۹۰	۱-۲: نگاهی به مسلک پلتینگا
۱۹۵	۲-۲: نگاهی به رویکردهای علامه
۲۰۶	خلاصه
۲۱۲	لغت نامه
۲۱۷	فهرست منابع

فصل اول: کلیات و مباحث مقدماتی

۱. طرح تحقیق

- ۱- تبیین موضوع (بیان مسأله)
- ۲- سئوال‌های اصلی و فرعی تحقیق
- ۳- سابقه و ضرورت انجام تحقیق
- ۴- روش تحقیق و محدودیت‌های آن
- ۵- فرضیه‌های تحقیق
- ۶- اهداف
- ۷- ساماندهی تحقیق

۲. زندگی نامه‌ها

علامه طباطبائی

تاریخچه - اساتید - آثار

آل‌وین پلنتینگا

تاریخچه - در برابر مسأله شر پلنتینگا و فلسفه مسیحی
پلنتینگا مدافع معرفت‌شناسی اصلاح‌شده - آثار پلنتینگا

۳. مفاهیم محوری (معنا شناسی)

الف - چیستی خیر و شر به لحاظ مفهومی

ب - تعریف‌های مصداقی

ج - تقابل میان خیر و شر

- (۱) تقابل عدم و ملکه
- (۲) تقابل تضایف
- (۳) تقابل نقیضان
- (۴) تقابل دو امر ضد (ضدان)

۴. پیشینه مبحث شر

الف) در تفکر بشر به معنای عام ب) در تفکر اسلامی

۵. تقریر مسأله شر

۱- سؤال اساسی چیست؟ ۲- معنای قرینه بودن شر علیه خداوند ۳- تقریرهای مختلف مسأله منطقی شر

۶. نگاهی اجمالی به راه‌حل‌های ارائه شده

دیدگاه‌های فلسفی

دیدگاه‌های کلامی

دیدگاه عرفانی

مقدمه

از آن هنگام که بشر پا در عرصه وجود نهاد، خویش را هم آغوش درد و رنج یافت، به گونه‌ای که هیچ لذت و خوشی را بدون محنت و ناکامی نچشید و هیچ کامیابی را نیالوده به شر و بدی، تجربه نکرد. انسان در همان مرحله آغازین حیات خود دانست که باید حیاتش را، از میان این نیکی‌ها و بدی‌ها به سرمنزل مقصود برساند. با گذشت زمان، مواجهه آدمی با مصیبت‌ها و رنج‌ها نه تنها با پیشرفت او کم نشد، بلکه رو به فزونی نهاد و این مسأله برای او به عیان جلوه‌گری می‌نمود. شرور طبیعی چون سیل‌ها و زلزله‌ها و شرور اخلاقی چون جنگ‌ها، غارت‌ها و تجاوزها، همگی روح و ذهن بشر را می‌آزرد و سؤال‌هایی را همواره برای او تازه می‌نمود: حقیقت این امور چیست و چرا تحقق می‌یابند؟ آیا این دو از منبع واحدی برمی‌خیزند؟ و اگر چنین است، چگونه امکان دارد که مبدأ نیکی، وجود شرور جایز بشمارد و این چنین رنج را برای آدمیان روا دارد؟

اما در این میان مؤمنان و متألهان با سؤالهای دیگری نیز روبه‌رو بودند؛ از این رو دغدغه‌های فزون‌تری را احساس می‌نمودند؛ سؤالاتی مانند آیا اوصاف خدای ادیان، با وجود شرور در عالم سازگار است؟ آیا جهان حاوی شر را می‌توان بهترین جهان ممکن دانست؟ آیا این امور با یکدیگر متناقض نیستند؛ حتی اگر متناقض و ناسازگار نیستند، آیا نمی‌توان وجود شرور را شاهی و قرینه‌ای علیه وجود خدا دانست؟ آیا خدایی که صاحب قدرت مطلق است، خدایی که خیر محض است، خدایی که هرگونه نقص و ضعف در او محال است، به وجود شر در جهان رضایت می‌دهد؟ آیا چنین خدایی نمی‌تواند از بروز این همه شر جلوگیری نماید؟ آیا می‌توان وجود شرور را دلیلی بر محدودیت صفات عالی الهی دانست؟ بدین ترتیب، بنیادی‌ترین آموزه‌های ادیان آسمانی، یعنی اعتقاد به توحید، عدالت، قدرت مطلق، علم و حکمت و حتی وجود خداوند، مورد انکار یا تردید قرار گرفته است.

عمق و ژرفای پرسش‌های یاد شده از یکسو^۱ و تنوع و تعداد آن‌ها از سوی دیگر؛ موجب پیدایش نگرش‌های گوناگون نسبت به مسأله شر گردیده است، تا جایی که کمتر فیلسوف و یا متکلمی را می‌توان یافت که در این زمینه اندیشه ننموده و یا نگرش خاصی را ابراز نکرده باشد. در نوشتار حاضر سعی بر این است که اجمالی از راه‌یافت‌های مختلف در مسأله شر را عرضه نموده و دیدگاه‌های علامه

۱- تا آنجا که عده‌ای نومیدانه به این نکته تصریح کرده‌اند که شاید انسان‌ها هیچ‌گاه نتوانند راز پیدایش شرور در نظام آفرینش را کشف کنند. رک: محمدعلی فروغی، سیر حکمت در اروپا، تهران: نشر زوار، ۱۳۸۱ش، ج ۲، ص ۱۹۲.

طباطبایی و آلون پلنتینگا را در این خصوص تشریح و مقایسه نماییم؛ تا با بعضی اباحت اسلامی و غربی آشنا شده و قدمی در پاسخ گویی به پیش نهاده باشیم.

فصل اول: کلیات و مباحث مقدماتی

بخش اول: طرح تحقیق

۱- تبیین موضوع (بیان مسأله)

هیچ کس نمی تواند منکر وجود شرور و بلا یا به معنای عام آن در عالم باشد؛ زیرا وجود آن ها روشن و بدیهی است. اموری چون زلزله و سیل و آفت های آسمانی و بیماری های لاعلاج، ظلم و ستم گران، کشتارهای فراگیر، رذایل اخلاقی و ... هر صاحب بصیرتی را به اعتراف بر وجود شرور وامی دارد. مسأله شر^۲ نیز از تحلیل این امور و مقایسه آن ها با معتقدات کلامی و الاهیاتی شکل می گیرد؛ و سؤالاتی پیچیده را به وجود می آورد: آیا خداوند قادر مطلق و خیر محض، نمی تواند از بروز این شرور جلوگیری نماید؟ چگونه او به این حجم گسترده از شرور راضی گشته است؟ آیا این مسأله محدودیت صفات او را در پی ندارد و آیا در ایمان به این گزاره ها با اذعان به وجود شرور، تناقضی نیست؟ این مشکله که همواره از سوی ملحدان^۳، جهت انتقاد به معتقدات دین داران مطرح گشته است؛ در دو قالب کلی جلوه گیری می نماید:

^۱ - مراد ما از «معنای عام» اصطلاح خاصی در مقابل شرور خاص نمی باشد، بلکه مقصود همه نموده های ظاهری شرور (هرآنچه در ظاهر شر است) می باشد، اگرچه در واقع، شر قلمداد نگردد.

^۲ the problem of evil

^۳ - مسأله شر، از جمله دستاویزهای فلاسفه ملحد (atheist) می باشد تا بدین وسیله؛ خدا باوری و دین داری را مورد مناقشه و نقد قرار دهند. در عصر حاضر، سه تن از ایشان معروفیت بیشتری را کسب کرده اند. کای نیلسون (kai Neilson)، آنتونی فلو (Anthony Flew) و جی ال مکی (J.L. Mackie) ولی در این میان مکی، به دلیل قلم فرسایی های بسیار؛ نقض های فراوان و به کارگیری فلسفه تحلیلی؛ از دیگران گوی سبقت را برده است؛ لذا پلنتینگا نیز در استدلال های خود بیشتر به مقابله با وی می پردازد و کلمات او را محور بحث ها قرار می دهد. به زودی به معرفی اجمالی او خواهیم پرداخت.

۱- مسأله‌ی شرّ به عنوان قرینه^۱: در این رویکرد، وجود شرور در عالم با برخی از صفات عالیّه الهی سازگاری ندارد. چراکه نمی‌توان خدا را قادر محض دانست و خیر مطلق و عالم بی‌حد خواند، در حالی که شرور و بلا یا در شکل گسترده‌ای وجود دارند و خدا به آن‌ها راضی شده است. از این رو در این راه‌یافت بحث بر سر «ناپذیرفتنی بودن» مدعیات دین‌داران است. از دید این منتقدان، نفس وجود شرّ در عالم، اعتقاد دینی را متزلزل نمی‌کند، زیرا برای پاره‌ای از شرور می‌توان تبیین خردپسندانه ارائه کرد. آنچه در بادی امر قرینه‌ای علیه وجود خداوند به شمار می‌آید، شروری هستند که در چهارچوب اعتقادات دینی، تبیینی مقنع نمی‌یابند (یعنی شروری که کاملاً گزاف و بی‌هدف به نظر می‌رسند). چراکه اگر خدا وجود داشته باشد نباید هیچ شرّ گزافی در عالم وجود داشته باشد. اما باید بپذیریم که شرور گزاف و بی‌معنا وجود دارند و بر مبنای یک دیدگاه دینی نمی‌توان، وجود این قبیل شرور را تبیین کرد و لذا بعید است که خدا وجود داشته باشد.

۲- مسأله‌ی منطقی شرّ^۲: در این رویکرد، تلاش و اصرار بر اثبات ناسازگاری و تناقض منطقی میان وجود خداوند و وجود شرور است. در این تقریر محور بحث بر حکمت و علت ایجاد شرّ توسط خداوند و یا محدودیت صفات الهی نیست، بلکه تأکید بر بودن تناقض میان وجود خداوند و وجود شرور است. به دلیل آن که وجود شرور امری بدیهی محسوب می‌شود، از این رو، انکار وجود خداوند امری مسلم می‌نماید. پس مسأله‌ی منطقی شرّ یعنی مجموع گزاره‌هایی که از اعتقادات دینی و وجود شرور شکل گرفته و این مجموع با هم ناسازگار تلقی شوند؛ به طوری که فرد دین‌دار باید حداقل یکی از این دو گزاره‌ی ناسازگار را رها نماید.

¹ evidential problem of evil

² logical problem of evil

۲- سؤال‌های اصلی و فرعی تحقیق

- ۱- تعریف علامه از شر چیست؟
- ۲- تعریف پلنتینگا از شر چیست؟
- ۳- چه پاسخ یا پاسخ‌هایی از سوی پلنتینگا برای حل مشکله‌ی شر مطرح گردیده است؟
- ۴- چه پاسخ‌هایی توسط علامه طباطبائی به این مسأله داده شده یا بوسیله مبانی ایشان قابل عرضه است؟
- ۵- نقاط اشتراک و اختلاف این پاسخ‌ها چیست؟
- ۶- چه ضعف و قوت‌هایی در پاسخ‌های این دو دانشمند وجود دارد؟
- ۷- آیا این پاسخ‌ها را می‌توان به وسیله هم تکمیل کرد؟

و ...

۳- سابقه و ضرورت انجام تحقیق

پویایی و رشد روز افزون تفکر دینی در جوامع بشری؛ مکاتب الحادی را بر آن داشته تا گام‌های بلند و جدی‌تری در عرصه‌های الحاد بردارند و برای رسیدن به مقاصد خویش از هیچ تلاشی فروگذار نکنند. ایشان هر روز به شیوه‌ای جدید در صدد انکار و یا عقیم پنداشتن ادله اثبات وجود خدا بوده و یا به نوعی صفات الهی را مورد تردید قرار می‌دهند و بر کسی پوشیده نیست که مسأله‌ی شر یکی از محورهای بنیادی این مقصود بشمار می‌رود؛ تا جایی که بعضاً آن‌را «سنگر الحاد»^۱ خوانده‌اند و در این خصوص مباحث گسترده و قلم فرسایی‌های فراوان نموده‌اند.

گرچه سابقه این بحث در غرب به شکل سامان یافته در رواقیان، سقراط، افلاطون و ارسطو و از همه جدی‌تر به افلوپین و آگوستین و توماس آکویناس و در عصر جدیدتر به باروخ اسپینوزا و بیش از همه به لایب‌نیتس می‌رسد که در این باره ژرف‌اندیشی کرده (و حتی وی رساله‌ای بنام *theodicy* در این باب نگاشته است). اما آنچه اهمیت این مسأله را در دهه‌های اخیر دو چندان ساخت، اتفاقی بود که در جبهه‌ی

^۱- کلامی است از هانس کونگ (Hans kung) متأله آلمانی؛ رک: مایکل پترسون و دیگران، عقل و اعتقاد دینی، ترجمه احمد

نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران: طرح نو، ۱۳۸۳ش، ص ۱۷۷.

^۲- برابره‌های فارسی این واژه عبارتند از: خداشناسی استدلالی، عدل الهی، الهیات خاص و...

ملحدان افتاد. تا این زمان آن‌ها مسأله‌ی شر را همچون مانع یا بهانه‌ای برای توجیه بی‌ایمانی خود پنداشته و از پیوستن به جرگه‌ی مؤمنان خودداری می‌ورزیدند. اما در این دهه‌های اخیر گروهی تقریری نواز مسأله‌ی شر به دست داده و به شکل دلیل منطقی یا تجربی، در نفی وجود خدا، به آن استدلال کردند. و اینک در مباحث جدید فلسفه‌ی دین، چنین وانمود می‌شود که دور تازه‌ای از استدلال‌ها شکل گرفته؛ که با تکیه بر آن از شک‌گرایی به کفر و الحاد روی آورده‌اند.

برای مثال، جی. ال. مکی^۱ در مقاله‌ی معروف و بحث‌انگیز خود، با عنوان «شر و قدرت مطلقه» مسأله‌ی شر را به عنوان برهانی در نفی وجود خدا مطرح ساخت. او در این مقاله ادعا کرد که مؤمنان نمی‌توانند همزمان، قدرت مطلقه، خیرخواهی علی‌الاطلاق^۲ خداوند و وجود شر در عالم را تصدیق کنند. وی در این باره می‌نویسد: «مسأله‌ی شر معضلی لاینحل، برای خداباوری سنتی^۳ است و پیشرفت علوم دیدگاه خداباورانه را به عنوان فرضیه‌ی تبیین‌گر، لغو و زاید ساخته است.»^۴

سال‌ها بعد نیز در فصلی از کتاب خود که عنوان طعنه‌آمیز «معجزه‌ی خداباوری» را بر آن نهاد، همین ادعاها را پروراند و به همه‌ی «کسانی که درباره‌ی آموزه‌های دینی سنتی تردید دارند» اطمینان داد که «می‌توانند در برابر تمامی حملات مؤمنان مقاومت ورزند، و در عین حال به این مقدار بسنده نکنند. اینان می‌توانند «از لاک دفاعی خارج شده» و با تکیه بر مسأله‌ی شر به اردوگاه خداباوران یورش آورند.»^۵

یا موریس مترلینگ می‌گوید: «من هرچه فکر می‌کنم نمی‌توانم قبول نمایم که یک خداوند کریم و عادل و عاقل و با ذکاوت، رضایت دهد که در این جهان، موجودات ناقص‌الخلقه و یا بدبخت بیافریند. نه،

¹ J.I Mackie

² Omnibenevolence

^۳ - مقصود از خداباوری (theism) در این نوشتار اعتقاد به خدای ادیان است که دارای تمامی اوصاف کمالی است.

⁴ Mackie, J.L, *Ethics*, Penguin Books, 1977, P.231.

⁵ -----, *Miracle of Theism*, Clarendon Press Oxford, 1982, P.150

این دو مورد، به نقل از سید محمود موسوی، پایان نامه دکتری، بررسی مسأله شر از دیدگاه شهید مطهری و

حقیقت غیر از این است که به چشم ما می‌رسد و محال است که خداوندی که ما می‌پرستیم نادان و دیوانه باشد و قطعاً اصل موضوع در جای دیگری است که بدان پی نبرده و شاید تا ابد پی نبریم.^۱

فردریک کاپلستون می‌نویسد: «وجود شرّ در جهان، که یکی از ایرادهای عمده به خداشناسی مسیحی است، اعم از این که این فرضیه پذیرفته یا ردّ شود، به صورت یک واقعیت دردآور و لاینحل باقی می‌ماند.» وی رأی دو متفکر مشهور (راسل و میل) را چنین می‌آورد: «راسل همانند جان استوارت میل، آشکارا چنین می‌اندیشد که وجود شرّ و رنج در جهان ایرادی پاسخ‌ناپذیر در اعتقاد به خدایی که به خیرخواهی نامتناهی و قدرت مطلقه وصف شده است، ایجاد می‌کند.»^۲

این مسأله با آنکه پیشینه‌ای به بلندای تاریخ تفکر بشر دارد، هنوز همچون چالشی بزرگ در پیش روی خداباوران و دستاویزی سترگ در دست شک‌گرایان و خدا ناباوران در حوزه‌ی مابعدالطبیعه و اخلاق به شمار می‌آید.

آری، اهمیت این مسأله تا حدّی است که می‌توان ادّعا نمود که: «در تاریخ اندیشه‌ی بشر غیر معصوم، شاید تاکنون کم‌تر مسأله‌ای، این اندازه عقل انسان را به چالش واداشته و در پیچ و تابش انداخته و سردرگمی و پس‌نشینی او را سبب گردیده است.»^۳

نکته‌ی دیگری که بر اهمیت مسأله می‌افزاید این که برای انسان معاصر، با پیشرفت‌های شگرفی که در زمینه‌ی صنعت و فناوری و به طور کلی دخل و تصرف در طبیعت در عرصه‌های مختلف داشته و به سطح بالایی از قدرت پیش‌بینی و پیش‌گیری دست یافته است، فهم و توجیه نظام أحسن (دست کم روایت ساده و سطحی آن) چندان آسان نیست.

^۱ - رک: موریس مترلینگ، جهان بزرگ و انسان، ترجمه ذبیح‌الله منصوری، ص ۵۶، به نقل از کتاب خدا و مسأله شر.

^۲ - فردریک کاپلستون، تاریخ فلسفه، ترجمه جلال‌الدین مجتبی، ترجمه جلال‌الدین مجتبی، تهران: نشر علمی و فرهنگی،

۱۳۷۵ش، ج ۸، ص ۵۲۰.

^۳ - علی عابدی شاهرودی، «نقد نظریه وجودی خیر و شر»، کیهان اندیشه، شماره ۴۷، دوره هشتم.

صعوبت و دشواری مسأله‌ی شرّ، به معنایی که در مباحث آتی مطرح خواهد شد، حتی از دشواری مسائلی نظیر جبر و اختیار، ربط حادث و قدیم و علم باری تعالی، فراتر است، زیرا در بطن خود همه‌ی آن مسائل را دارد و فهم نهایی آن در گرو فهم دقیق همه آن مسائل است. صدرالمتألهین نیز ضمن تصدیق صعوبت مسأله، به ارتباط این بحث به مبحث علت و معلول که آن نیز از مسائل دشوار و معضلات فلسفه و کلام است اشاره می‌کند و اظهار می‌دارد که «عالمان بزرگی، در این وادی به حیرت و ضلالت دچار شده‌اند.»^۱

«به‌هرحال؛ ذر اهمیت مسأله همین مقدار کافی است که حل معنای زندگی، سعادت، خوشبینی نسبت به جهان و آینده‌ی بشریت و نیک‌فرجامی جهان که در ادیان روی آن تأکید شده است، همگی در گرو حل این معضل است.

حال اگر مسأله‌ی شرّ به گونه‌ای است که ذهن و ضمیر عموم مؤمنان را در گوشه و کنار جهان به خود مشغول می‌دارد و گاه بسته به نوع و عمق فجایع ایمان آن‌ها را با مشکل روبرو می‌کند. با این شرح و اوصاف؛ برای مؤمنان اهمیت دارد که بدانند؛ به راستی، وجود آلام و مصائب، تا چه اندازه می‌تواند موجبات نگرانی آن‌ها را فراهم کند.»^۲

از این رو، بر دین پژوهان متعهد نیز لازم و بایسته است که ابتداء، تمامی جوانب شبهات را بررسی و درک نموده و سپس در وادی تحلیل و نقد آن‌ها قدم گذارند و هر یک را با توجه به خاستگاه خویش پاسخگو باشند. در این زمینه؛ گرچه مقالات متعددی، نگاشته و یا ترجمه شده‌اند؛ اما کتاب‌های مستقل، کمتر در فضای علمی کشورمان به چشم می‌خورد؛ حتی در آن موارد موجود هم، غالباً سعی بر طرح کلی مباحث (چه در کلام اسلامی و چه در اندیشه مسیحی) بوده است؛ نه بحث‌های تطبیقی و حال آنکه این گونه از تحلیل‌ها حاوی فوائد فراوانی می‌باشد که به چند مورد آن در ذیل اشاره می‌نمائیم:

^۱ - صدرالمتألهین، الاسفار الاربعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۹۸۱م، ج ۲، ص ۳۵۵.

^۲ - دکتر سید محمود موسوی، پایان نامه، پیشین.